روزنامه شرق

چهارشنبه ۱ آبان ۱۳۹۸ • ۲۴ صفر ۱۴۴۱ • ۲۳ اکتبر ۲۰۱۹

سال هفدهم • شماره ۳۵۵۶ • ۱۶صفحه • ۴۰۰۰ تومان

سخنگوی قوه قضائیه خبر داد

وثیقه متهمان پرونده کارگران هفت‌تپه کاهش یافت

گروه سیاست: غلامحسین اسماعیلی در دوازدهمین نشست خبری خود با اصحاب رسانه با خبرهایی همچون تقلیل وثیقه متهمان کارگری، تأیید حکم هفت سال زندان شهرام جزایری، تشکیل پرونده کیفری برای ۱۰۵ مدیر درباره سیل...

صفحه ۲

اسحاق جهانگیری:

عده‌ای به دنبال جعل خبر و ناامیدکردن مردم هستند

گروه سیاست: معاون اول رئیس‌جمهور در جلسه هم‌اندیشی با علما و روحانیون با بیان اینکه باید در کشور فضای همدلی، گفت‌وگو و مفاهمه به معنای واقعی شکل گیرد و بتوانیم بر سر مسائل ملی کشور به تفاهم برسیم، گفت: کسانی که نفوذ کلام دارند...

صفحه ۲

هراس آمریکا از برجام در ۲۰۲۰

به بهانه هشدارهای پمپئو و هوک درباره پایان محدودیت تسلیحاتی ایران

گروه دیپلماسی: در روزهای گذشته هم وزیر امور خارجه و هم رئیس «گروه اقدام ایران» در دستگاه سیاست خارجی آمریکا، بار دیگر نسبت به پایان‌یافتن تحریم‌های تسلیحاتی ایران به‌عنوان بخشی از توافق برجام هشدار دادند. مایک پمپئو و برایان هوک، در توییت‌ها، سخنرانی‌ها و گفت‌وگوهایشان، مدام به پایان محدودیت‌های تسلیحاتی ایران اشاره می‌کنند و به متحدان دراین‌باره هشدار می‌دهند؛ اما این هشدارها دقیقا ناظر بر چه اتفاقی هستند؟ پایانی که مقامات آمریکا نسبت به آن هشدار داده و از متحدان خود می‌خواهند از آن پیشگیری کنند، پایانِ چه چیزی و آغازِ چه چیزی خواهد بود؟ فرازوفرودهای مذاکرات هسته‌ای که از میانه دولت خاتمی آغاز شد، در اوایل دولت احمدی‌نژاد به جایی رسید که زنجیره قطع‌نامه‌های محدودکننده برای ایران آغاز شد. قطع‌نامه ۱۶۹۶ شورای امنیت سازمان ملل، الزاماتی برای ایران تعیین کرد، اما از قطع‌نامه ۱۷۳۷، تعیین محدودیت‌ها آغاز و مرحله‌به‌مرحله در قطع‌نامه‌های ۱۸۴۸ و ۱۹۲۹ تشدید شد.

ادامه در صفحه ۱۵

گفت‌وگو با محمدرضا تاجیک

هاراگیری سیاسی

عکس: سهند تاکی، شرق

صفحه ۳

گفت‌وگو با سیدمحمد بهشتی

سینمای ما در روشنفکری هم مبتذل شد!

صفحه ۸

تیترها

بازگشت واحدهای بدون متقاضی به دولت

صفحه ۴

ممنوعیت استخدام منشی زن و یک تکذیبیه سریع

صفحه ۱۳

مدیرعامل صندوق توسعه صنایع دریایی تشریح کرد

بیزینس کشتی‌های موشک‌خورده جنگ

صفحه ۵

عبدالواحد موسوی‌لاری:

اصولگرایان بخواهند یا نه احمدی‌نژاد بخشی از جریان اصولگرایی است

صفحه ۲

مجید جلالی استاد دانشگاه یا کامپیوتر از کار افتاده؟

صفحه ۱۴

سرمقاله

رویکرد تجربی برای کاهش فقر

روزبه کردونی*

ریشه‌کنی فقر همواره یکی از دغدغه‌های مهم جهانی برای سیاست‌گذاران، متخصصان، دولتمردان و کنشگران مدنی بوده است. در ایران نیز مقابله با فقر و عوامل شکل‌گیری آن، به‌ویژه پس از پیروزی انقلاب اسلامی، در مرکز توجه همه دولت‌ها و تقریبا در دستور کار تمام برنامه‌های توسعه بوده؛ اما سؤال اساسی این است که موفقیت چهار دهه سیاست‌گذاری در حوزه فقر چه میزان بوده است؟ پاسخ به این پرسش از چند منظر ضروری است؛ اول اینکه اجماعی نظری بین صاحب‌نظران وجود دارد که موضوع فقر، گفتمان غالب بین سیاست‌گذاران و روشنفکران نیست. از سوی دیگر، فقط از مسیر نقد بی‌رحمانه سیاست‌گذاری حوزه فقر در این سال‌ها می‌توان یادگیری سیاستی دقیقی از آموخته‌های گذشته داشت و آخر اینکه از مسیر این مرور نقادانه می‌توان امیدوار بود که رویکردهای مقابله با فقر، با تمرکز بر مفهوم‌پردازی، گفتمان‌سازی و تدوین سیاست‌های رفاهی کارآمد، به سمت شکل‌گیری رویکردهای عملیاتی و عبور از طرح مسئله برای حل مسئله گذر کند. اتفاق بسیار مهم این روزها با بسامد جهانی، یعنی اعطای جایزه مهم نوبل اقتصاد سال ۲۰۱۹ به سه نظریه‌پرداز حوزه فقر، فرصتی مهم و مغتنم برای گفت‌وگو درباره تجارب موفق جهانی در این حوزه را فراهم کرده است.اما آنان به چه راه‌حل‌های نوینی دست یافته‌اند؟ رویکرد تجربی این نظریه‌پردازان، متکی بر شناخت شیوه‌های تعیین شاخص‌هایی است که منجر به کاهش فقر جهانی می‌شود. این رویکرد بیان می‌کند: «میزان بزرگی و اهمیت یک مسئله می‌تواند ما را به احساس شکست رهنمون کند» و تأکید می‌کند: «مبارزه با فقر نباید شکلی طاقت‌فرسا و نفس‌گیر به خود بگیرد». در این چارچوب، این نظریه‌پردازان نشان دادند مسئله فقر را می‌توان به سؤال‌های کوچک، ملموس، قابل فهم و حل‌شدنی تبدیل کرد. مطابق آنچه از سوی اعضای آکادمی نوبل منتشر شده است، این سه اقتصاددان رویکردی نو در ازبین‌بردن فقر ارائه داده‌اند. در توضیح این رویکرد تأکید شده است درحالی‌که این فهم همگانی وجود دارد که بین کشورهای توسعه‌یافته و فقیر تفاوت وسیع و عمیقی در بهره‌وری وجود دارد، اما مطابق با آنچه بنرجی و دوفلو (دو دریافت‌کننده جایزه امسال نوبل اقتصاد) تأکید کرده‌اند، تفاوت در بهره‌وری بین خود کشورهای فقیر نیز معنادار است. برای مثال، در برخی از آنها شرکت‌ها، کارآفرین‌ها و شهروندان از تکنولوژی‌های نوین برای تولید محصولات استفاده می‌کنند، اما در کشورهای دیگر (که همان محصولات را ارائه می‌دهند) استفاده از تکنولوژی منسوخ و از دور خارج شده است که باعث کاهش شاخص بهره‌وری می‌شود. سؤال مهمی که این اقتصاددانان به آن پرداخته‌اند، این است که استفاده از تکنولوژی‌های قدیمی، به دلیل نبود سرمایه است یا فقر در سیاست‌گذاری؟ یا اینکه شهروندان و صاحبان شرکت‌ها و صنایع از تصمیم‌گیری عاقلانه برای سرمایه‌گذاری در این حوزه ناتوان بوده‌اند؟

میشل کرمر، دیگر برنده جایزه نوبل سال جاری، با تمرکز بر حوزه آموزش، سؤال‌هایی مشابه با جنس پرسش‌های یادشده مطرح کرده است؛ در کشورهای با درآمد پایین، کدام مداخلات باعث ارتقای خروجی آموزشی آن‌هم با کمترین هزینه می‌شود؟ آیا دسترسی بیشتر به متون دسترسی و غذای رایگان در این امر مؤثر است؟

در واقع این جنس از پرسش‌ها مبنای تحقیقات برندگان جایزه نوبل اقتصاد امسال بوده است. اکنون فرصت پرداختن به جنبه‌های مهم نظریه‌های این اقتصاددانان فراهم است و این یادداشت در مجال کوتاه خود، فقط فرصت اشاراتی در راستای سیاست‌گذاری فقر و ایجاد رفاه دارد. باید تاکید شود در زمانی که اکثر صاحب‌نظران حوزه فقر در ایران معتقدند هنوز این معضل، مسئله‌ای فرعی و حاشیه‌ای در ساحت گفتمانی و سیاست‌گذاری دولت و حوزه عمومی است، اعطای جایزه نوبل اقتصاد به محققانی که با رویکردی تجربی و میدانی، در راستای تبدیل مسئله فقر به مجموعه‌ای از مسائل کوچک و حل‌شدنی تلاش کرده‌اند، پیام مهمی دارد. این نگرش که «فقر آن‌قدر بزرگ و مهم است که حل آن را باید به فراموشی سپرد»، باید به چالش کشیده شود. اکنون فرصتی مناسب برای گسترش گفتمان و تدوین و ارتقای سیاست‌های اجتماعی مؤثر به‌ویژه با تمرکز بر نقد سیاست‌گذاری سال‌های گذشته در این حوزه، در اختیار ماست که برای بهبود کیفیت زندگی ایرانیان و کاهش جلوه‌های پذیرفته‌نشده فقر، حتما می‌تواند به برنامه‌هایی درخور اجرا تبدیل شود.

*رئیس مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی

یادداشت

فقر یا فقیر؟

سیدمصطفی هاشمی‌طبا

جایزه نوبل اقتصاد را امسال به دو اقتصاددان به نام‌های آبهیجیت بنرجی و استردوفلو برای نوشتن کتاب اقتصاد فقیر اهدا کردند. در این کتاب متذکر شده‌اند «فقط داشتن ادعا و دغدغه عدالت اجتماعی به بهبود زندگی انسان‌های تهیدست نمی‌انجامد؛ حتی اگر ادعاکنندگان و دغدغه‌داران، صداقت و وارستگی کامل و قوی‌ترین، ایدئال‌ترین و دردمندانه‌ترین پشتوانه‌های اعتقادی و فکری را داشته باشند».می‌توان گفت به‌جز برخی نحله‌های فکری مانند کاست‌های هندی که فقر و فقیر را امری ذاتی و تناسخی می‌پندارند، مکاتب اقتصادی یا ادیان یا ایدئولوژی‌های دست‌ساخته همگی ادعای فقرزدایی دارند؛ اما در طراحی راه موفقیت تفاوت نظر دارند و طبیعی است که پیروان هیچ‌کدام تاکنون موفق به فقرزدایی نشده‌اند.لیبرال‌ها و نئولیبرال‌ها رفع فقر را گذر از دوران آزادی اقتصادی و تجمع ثروت و در نهایت بهره‌برداری فقر از این تجمع ثروت می‌دانند و سوسیالیست‌ها راه را در تساوی برخورداری افراد از ثروت مجتمع در اختیار دولت‌ها (از نظر مارکسیسم، پرولتاریا) برمی‌شمرند و ایدئولوژی‌های مختلف هریک راهی از جمله خیرات پیشنهاد می‌کنند.برداشت از فقر و فقیر در اندیشه‌های مختلف متفاوت است و گاه یکی را حاصل آن دیگری به شمار می‌آورند و بالعکس و صد البته مصداق فقر و فقیر در جوامع مختلف متفاوت است و از یک جامعه به جامعه دیگر متفاوت؛ برای مثال کودک ناداری که در یک شهر بزرگ مانند تهران به‌دنبال جمع‌آوری زباله است و از حاصل آن ارتزاق می‌کند و در نظر عموم جامعه ما مصداق فقیر محسوب می‌شود، با آن روستایی هندی که به دلایل مذهبی و اعتقاد به تناسخ اصلا به‌دنبال رفع فقر خود نیست، کاملا متفاوت است و در تعریف‌های نوین فقیر خوانده نمی‌شود، زیرا با آگاهی به‌دنبال فقرزدایی خود است. در بخشی از ادبیات فقر، آگاهی‌بخشی به افراد فقیر و اینکه آنان به وضع خود آگاه شوند و به‌دنبال فقرزدایی از خود باشند، بسیار بااهمیت خوانده شده است. در اینجا معتقدند فقر بیشتر از آنکه جنبه مادی داشته باشد باید از نظر فرهنگی به آن نگریسته شود. چنین است که مکاتب و نحله‌های مختلف نظرهای متفاوتی ارائه می‌دهند و البته از سوی برخی مجامع بین‌المللی کوشش‌هایی در زمینه فقر صورت گرفته که برخی مؤثر و برخی بی‌اثر بوده است و این طبعا بیشتر به این دلیل بوده که در مکان‌های مختلف احیانا الگوهای واحدی برای فقرزدایی در نظر گرفته شده است. اهدای جایزه نوبل به این دو اقتصاددان به‌خاطر کتاب اقتصاد فقیر بهانه‌ای شد که بار دیگر نگاهی به مسئله فقر و فقیر در کشورمان بیندازیم. هرچند ممکن است مطالعات آنان با ماهیت فقر و فقیر و راه‌های ارائه‌شده با نیازهای ما متفاوت باشد اما حداقل به مقاطعی از آن می‌توان دقت و آن را رعایت کرد.بی‌تردید جمهوری اسلامی در ۴۰ سال اخیر به توفیقات بزرگی نائل شده و هرگز انکارشدنی نیست و طرح موضوع فقرزدایی در کشور نباید دستاویزی برای انکار توفیقات باشد؛ اما موضوع فقرزدایی از شعارهای اصلی انقلاب اسلامی بوده است که باید با روشن‌بینی و به‌صورتی منصفانه به آن پرداخت تا ببینیم چه چیز باعث شده فقرزدایی در ایران مانند بسیاری از کشورها توفیق نیابد.

قبل از آنکه به فقرزدایی از افراد و آحاد جامعه بپردازیم، ابتدا باید به کلیت کشور نگاه کنیم و ببینیم آیا کشوری فقیر هستیم یا غنی، زیرا بسیاری از کشورها خودبه‌خود و بالقوه زمینه رشد ندارند و تلاش‌ها در آن به‌سادگی به ثمر نمی‌نشیند؛ مانند بنگلادش با جمعیت ۲۰۰ میلیونی و فقر عمومی، هرچند در این کشور نیز امکانات بالقوه رشد را می‌توان یافت. ایران با دوهزارو ۵۰۰ کیلومتر ساحل دریایی، دشت‌های حاصل‌خیز، آفتاب تابان، معادن نفت، گاز، فلزات و غیرفلزات، آب‌وهوای چهارفصل، جنگل‌های البته نه چندان وسیع، آثار تاریخی و فرهنگی فراوان و صد البته برخورداری از یک مکتب نجات‌بخش به نام اسلام کشوری غنی به حساب می‌آید که در نگاه اول می‌تواند فقر را ریشه‌کن کند، زیرا وقتی کشوری مانند هلند با سرزمینی که مساحت آن تقریبا اندازه گیلان و مازندران است، سالانه ۸۰ میلیارد دلار محصولات کشاورزی صادر می‌کند، چگونه ما نتوانیم؟

ایران غنی و ثروتمند در سال‌های گذشته، خود به سوی فقر گام برداشته است زیرا با تعدی به منابع ثروت خداداد و مصرف و تبدیل آنها به غذای مردم، کالای مصرفی و کالای به تعریف بادوام مانند اتومبیل، لوازم منزل و... منابع ثروت را به نفع مظاهر زندگی تضعیف کرده و علاوه بر آن برای جلوگیری از آلودگی زمین‌ها، ازبین‌رفتن جنگل‌ها، نشست دشت‌ها و تخریب آب رودخانه‌ها تلاشی نکرده است پس می‌توان گفت ایران بالقوه ثروتمند از امکانات خود کاسته و ثروت خود را تضعیف کرده اما با همه اینها همچنان آن‌قدر ثروتمند است که بتواند هم روند تضعیف به سمت فقر رفتن خود را متوقف کند و هم قادر به فقرزدایی از مردم خود باشد.

به نظر می‌رسد ارابه فقر از فقرزدایی سریع‌تر می‌راند. هم فقرای دیروز که اندکی جان گرفته بودند به عقب بازگشته‌اند و هم گروه جدیدی به لیست فقرا وارد شده‌اند. مسئله فقرزدایی که گاه به معرکه نمایش هم دچار شده؛ معرکه‌ای که از پس آن تمسخر و نادانی و گاه تنبلی و عدم تحرک حاصل می‌شود، مانند یارانه‌های نقدی و مستقیمی که به همه مردم داده‌اند. عجیب اینجاست که به پولداران غیرنیازمند که باید سهم بالایی در فقرزدایی داشته باشند همان مقدار یارانه داده شده که به فقرا و تهیدستان و این واقعا یک اجحاف بزرگ بود و متأسفانه دولت یازدهم و دوازدهم هم به این امر توجه لازم را نداشت. همچنان این پول را به غیرنیازمندان پرداخت می‌کند و برای قطع آن به انواع و اقسام استدلال‌های بی‌پایه تمسک می‌جوید و یارانه پنهان مال‌داران را که ده‌ها برابر تهیدستان است، همچنان ادامه می‌دهد. دولت‌های ایران نوعا سرگردان تئوری‌های اقتصادی شده‌اند وجه غالب مورد قبول دولت‌ها و ایدئال آنها یک نوع لیبرال‌مسلکی با الگوی غرب مصرفی مرفه و تزریق هر چه بیشتر نقدینگی به جامعه برای بقا و حفظ دولت‌ها بوده است.متأسفانه فضای اقتصاد کشور و تصمیم‌گیری‌های دولتی نه براساس نیازهای جامعه بلکه تحت تأثیر بحث‌های انتزاعی در باب مکتب‌های اقتصادی و جدال‌های کلامی در باب نقش نهادهای دولتی و جایگاه بازار و دعوای بی‌پایان تقدم آزادی بر عدالت یا برعکس بوده و کمتر توانسته ملال فرودستانی را که نتوانستن به نبودن آنها منتهی شده است، دریابد.این درست که اقتصاد تحت تأثیر سیاست‌ها و روابط ایران با خارج و خارج با ایران است اما در همین حال و با تأکید بر واقعیت تحریم‌ها و توطئه‌های سیاسی، فرهنگی و اقتصادی، باید گفت مجموعه‌های تصمیم‌گیر از بسیاری از راه‌های مبارزه با فقیرکردن کشور و توانمندکردن فقرا که معمولا هر دو ساکت هستند به نفع برخورداران جامعه شهری که زبان و عملشان قادر به بیان توقعات است، چشم‌پوشی کرده‌اند.نمی‌توان درگیری سیاسی با خارج همراه نوعی مدعی‌شدن برای خارجیان را همراه سبک زندگی غربی و تبلیغ آن و شعار عدالت همراه با آزادی و وعده‌های بی‌شمار برای بهبود معیشت و زندگی بهتر برای مردم را در یک جا جمع کرد و به نام آزادی اقتصادی مردم، دست توانمندان برای سود هر چه بیشتر را باز گذاشت و در عین حال برای مستضعفان سینه به تنور چسباند و شعار وا مستضعفان و وا فقرا فریاد کرد و تازه آنچه را هم در این راه به انجام می‌رسانند با صرف ثروت خداداد انجام و پشتوانه‌ها را تهی می‌کنند.برخی استدلال می‌کنند ما با استکبار جهانی و توطئه‌های بی‌پایان آنها روبه‌رو هستیم پس نمی‌توانیم در داخل برنامه‌های اصولی را اجرا کنیم؛ نتیجه این استدلال آن می‌شود که به تدریج کشور تهی شده و علاوه بر افزایش فقرا، خود کشور فقیر می‌شود و آن‌گاه توان ادامه مبارزه را از دست می‌دهد. بارها گفته شده کشور درگیر جنگ اقتصادی است. در همان حال سخنرانان مختلف ازجمله ائمه جمعه و حتی دولت وعده معیشت بهتر و سفره پررونق‌تر و آینده اقتصادی بهتر را به مردم می‌دهند و اگر هم احیانا برنامه‌ای برای صرفه‌جویی و حرکات اصولی در زمان بحران نوشته شود با اندکی گشایش ارزی و مالی بلافاصله سمت‌وسوی کار به اقدامات ظاهرا رفاهی و اصولا انبساطی تغییر پیدا می‌کند. متفکران و اقتصاددانان و روشنفکران هم که اظهارنظر می‌کنند و تئوری‌های خود را مطرح می‌کنند، نسبت به پیامد آنها اصلا اظهارنظر نمی‌کنند و از تبعات برنامه‌های خود می‌گذرند، زیرا نمی‌خواهند این تبعات که لزوما با درآمدهای روز مردم مغایرت دارد، روشن شود.

به گمان این نویسنده می‌توان در عین مبارزه با استکبار برنامه‌ای در جهت حفظ کشور و جلوگیری از فقر سرزمین ایران و درعین‌حال زدودن فقر مردم فقیر تدوین کرد و طبیعی است همان‌طورکه گفته شد، این برنامه نیز تبعاتی دارد که ممکن است به ظاهر خوشایند نباشد و به‌هرحال از قاعده مذکور در قرآن کریم که ان مع العسر یسرا، فان مع العسر یسرا پیروی می‌کند و در درجه نخست باید این را به مردم صراحتا و به‌درستی بازگو کرد. با توضیحات یادشده دو کار را باید انجام دهیم و آن را به‌صورت انقلابی و جهادی عمل کرده و تبعات آن را نیز بپذیریم:

۱- توقف فقیرشدن کشور و جبران مافات

۲- فقرزدایی از فقیران و محرومان و مستمندان.

به‌عنوان یک پیشنهاد و نه با تأکید بر اجزای آن و البته اصرار بر نوع تفکر پیشنهادهای زیر مطرح می‌شود.

الف- کنترل سرمایه‌گذاری روی انرژی مصرفی و محدودکردن مصرف انرژی در داخل هم‌زمان با ایجاد تسهیلات انرژی برای فقیران و اخذ قیمت واقعی از افراد متعین.

می‌توان برای مصارف ضروری افراد کم‌درآمد مثلا در ماه ۳۰ لیتر بنزین به همه با قیمت کم داد و مازاد بر آن را برای مصرف‌کنندگان بیشتر به قیمت FOB خلیج فارس قیمت‌گذاری کرد. (تبعات منفی: ممکن است روی قیمت برخی کالاها اثر بگذارد و عده‌ای ناراضی شوند. تبعات مثبت: فشار روی مصرف بنزین کم می‌شود و درآمد برای دولت حاصل می‌شود).

ب- بهای برق و گاز مصرفی برای مصرف‌کنندگان تا ۱۵ کیلووات برق و صد مترمکعب گاز در ماه به قیمت بسیار پایین و حتی مجانی و مازاد بر آن حسب شیب ۷۵ درصد (تبعات مثبت: مصرف کاسته شده و نیاز به سرمایه‌گذاری جدید روی نیروگاه‌ها از بین می‌رود و درآمد دولت بالا می‌رود. تبعات منفی: مردم باید صرفه‌جویی کنند و به‌جای اتاق‌های گرم، لباس گرم بپوشند).

ادامه در صفحه ۴

حرف اول

انتخابات مجلس اول چگونه نظارت می‌شد؟

هادی طحان‌نظیف
عضو حقوق‌دان شورای نگهبان

در انتخابات مجلس اول اساسا شورای نگهبانی وجود نداشت؛ چون شورای نگهبان شش نفر فقیه بودند و شش نفر حقوق‌دان که حقوق‌دان‌ها باید از سوی آن مجلس انتخاب می‌شدند. وقتی مجلسی وجود نداشت، پس بالطبع امکان شکل‌گیری شورای نگهبان نیز نبود. حضرت امام(ره) چند ماه قبل از انتخابات (اسفند ۱۳۵۸)، فقهای شورای نگهبان را منصوب کردند و انتخاب حقوق‌دان‌ها به تشکیل مجلس موکول شد. اولین اقدام نمایندگان مجلس پس از تأیید اعتبارنامه‌هایشان نیز انتخاب حقوق‌دانان شورای نگهبان بود (تیر ۱۳۵۹) و از این تاریخ به بعد شورای نگهبان تشکیل شد؛ چراکه مجلس نیز بدون وجود شورای نگهبان، اعتبار قانونی نداشت.

با وجود آنکه شورای نگهبان هنوز تشکیل نشده بود، در همین دوره نیز نظارت بر انتخابات وجود داشت و انجمن نظارت که برای نظارت بر انتخابات مجلس تشکیل شد، در واقع همان شورای نگهبان بود. علاوه بر آن، حدود ۱۰ مرجع بر کار انتخابات (اعم از تأیید صلاحیت داوطلبان و برگزاری رأی‌گیری) به صورت رسمی و غیررسمی نظارت می‌کردند.«حضرت امام» (در تأیید صلاحیت مهندس مهدی بازرگان و اجازه به صنف روحانیون برای شرکت در انتخابات مجلس)، «وزارت کشور، فرمانداری‌ها، بخشداری‌ها» در رسیدگی به صلاحیت همه داوطلبان، «ستاد بازرسی وزارت کشور»، «ستاد نظارت وزارت کشور» و «انجمن‌های نظارتی و هیئت ویژه بازرسی ریاست‌جمهوری» در نظارت بر حسن اجرای انتخابات در فرایند رأی‌گیری و شمارش آرا، «کمیسیون هفت‌نفره نظارت بر انتخابات و رسیدگی به شکایت‌های شورای انقلاب اسلامی» در نظارت پسینی بر فرایند برگزاری انتخابات و اعلام نظر نهایی درباره تأیید یا ابطال انتخابات در حوزه‌های رأی‌گیری سراسر کشور، «شهربانی، ژاندارمری، سپاه پاسداران و کمیته‌های انقلاب اسلامی» در تأمین امنیت انتخابات، «احزاب و گروه‌های سیاسی دریافت‌کننده کارت بازرسی از وزارت کشور» در نظارت بر فرایند رأی‌گیری و شمارش آرا را مسئول کرده بود.

ادامه در صفحه ۲